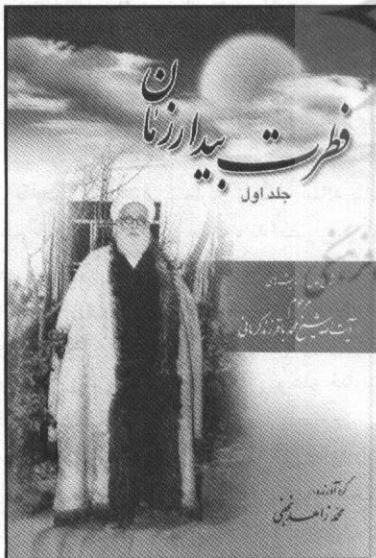


معرفی کتاب

فطرت بیدار زمان

محمد رضا زاهدوش

- فطرت بیدار زمان
- شرح حال و اندیشه‌های محمدباقر زند کرمانی
- گردآوری محمد زاهد
- [قم]، عطر عترة، چاپ اول بهار ۱۳۸۲
- جلد اول، ۲۶۰ص، وزیری، مصور (رنگی).



آیت‌الله محمدباقر زند کرمانی (۱۳۱۲ - ۱۳۸۹ق) فرزند حاج آقا رضا از اهالی کرمان و از احفاد صادق خان برادر کریم خان زند سرسلسله زندیه است. پدرش ملاک بود و در وبای سال ۱۳۲۰ قمری رحلت کرد.

وی تحصیلات ابتدایی را در مکتب‌خانه می‌آموخت که مشروطیت پیروز و مکتب‌های معتبر به مدارس ابتدایی تبدیل شد. وی پس از آن مدرسه ابتدایی علمیه که بعدها به نام



بناهای نظامی مسلمین بوده که بعد از فتح ایران و مداین به دست صاحب منصبان مسلمین، تاسیس شده است. پس چه منطقی دارد که بگوییم در مسجد کوفه محلّ چند نفر از انبیاء سلف می‌باشد، و حتّی کشتی نوح در این مسجد جای گرفته؟ به علاوه آیا مسجد کوفه که محلّ نماز حضرت امیرالمؤمنین (ع) در مدّت خلافت آن حضرت بوده است، به همین صورت بوده که الان می‌بینیم یا تغییراتی در آن رخ داده است؟ این مذاکرات مؤانستی میان آنان ایجاد کرد، و کاشف الغطاء یکی دو روز بعد برای او اجازه‌ای جامع مرقوم فرمود.

آیت‌الله زند پس از فراغ از تحصیلات مقیم اصفهان شد، و به تاسیس حوزه علمیّه ذوالفقار و بیمارستان عسگریّه همت گمارد. روشن‌اندیشی‌های عالمانه او در جامعه آن روز با واکنش‌های مثبت و منفی فراوانی رو به رو بود، ولی او تنها به اعتدالی کلمه‌الله می‌اندیشید و سعی در تبیین و تفهیم صحیح مسائل اسلام داشت. اعزازی که او در حقّ روحانیت شیعه روا داشت، در نوع خود بی‌نظیر و به یاد ماندنی است؛ چنانچه در جلسه‌ای که در دانشگاه تهران تشکیل شده بود، حضور به هم رساند، و سخنرانی قابل توجهی درباره‌ی ملّی شدن صنعت نفت به زبان انگلیسی ایراد کرد.

سرانجام مرحوم زند کرمانی به دلیل کهولت سنّ و نیاز به عمل جراحی به هامبورگ آلمان سفر کرد، سفری که به ملکوت انجامید. پیکر پاک او به اصفهان منتقل و در تخت پولاد به خاک سپرده شد.

تألیفات آیت‌الله زند عبارت‌اند از:

۱. (الفیوضات اللامعة) (الشمس الطالعة) فی حالات الکتب

الاربعة.

۲. رساله‌ای در صلح برای فرار از دین به نام رفع النزاع من البین فی الصلح المقصود منه الفرار عن الدین، چاپ اصفهان.

«سعادت» نام‌گذاری شد، و به مدیریت شیخ احمد بهمنیار (۱۳۳۴ - ۱۳۶۱) استاد فقید دانشگاه تهران اداره می‌شد، تحصیلات شش کلاسه ابتدایی را به پایان رساند. آنگاه به مدرسه ملّی با مدیریت میرزا شهاب‌الدین کرمانی وارد شد، و مقدّمات علوم حوزوی را نیز نزد مدیر مدرسه فرا گرفت و پس از فراغ از مدرسه ملّی، برای فراگرفتن زبان در مدرسه انگلیسی‌ها، نام‌نویسی کرد.

در همین دوره بود که حسّ کاوش مذاهب، نظرش را جلب کرد و با دانشمندی یهودی به نام ملّا یعقوب تماس گرفت و درباره‌ی اعتبار تورات از وی پرس و جو کرد. مدّتی نزد وی با بعضی از مراسم یهود آشنایی پیدا کرد و تفسیر تورات را خواند. سپس تحقیقاتش را با پرسش‌هایی از ارباب کیخسرو که بعدها نماینده‌ی زرتشتی‌های کرمان و یزد شد کامل کرد. همچنین وی از برهمن مروارید، تاجری که در سرای هُنود کرمان تجارت‌خانه مفصلی داشت، درباره‌ی مذهب هُنود اطلاعاتی کسب کرد.

زند کرمانی سپس برای آموختن فقه استدلالی به اصفهان رفت، و در درس فقه آیت‌الله فشارکی و درس اصول آیت‌الله محمدصادق آل صدر حاضر شد. طولی نکشید که به نجف مشرف شد، ولی به سفارش آیت‌الله سیّد ابوالحسن اصفهانی به شهر قم هجرت نمود و هفت سال در محضر آیت‌الله عبدالکریم حایری به کسب دروس فقه و اصول پرداخت. آیت‌الله حایری وی را به تالیف رساله‌ای در مسئله صلح برای فرار از دین تشویق کرد، و چون مطبوع نظرش افتاد، وی را واجد درجه اجتهاد دانست و مانند آیت‌الله فشارکی و آقا سیّد ابوالحسن اصفهانی اجازه‌ای مرقوم نمود.

آیت‌الله زند در سفر دوم عتبات عالیات با آیت‌الله کاشف‌الغطاء ملاقات کرد، و در پاسخ به استفتای اداره فرهنگ بغداد از کاشف الغطاء نظریاتی ابراز کرد: «... شهر کوفه از

۳. فقه استدلالی در احکام آب‌ها، چاپ تهران.

۴. تاریخ مختصر نفت در دنیای چاپ اصفهان، ۱۰۸ص، جیبی.

۵. جواب استفتایی به نام امارة الولاية، به فارسی، چاپ اصفهان که اخیراً نیز تجدید چاپ شده است.

۶. نبذة فی تحقیق کتاب «قرب الاسناد» و مؤلفه و اخباره، چاپ در زمان حیات مؤلف که اخیراً نیز به همراه قرب الاسناد چاپ مؤسسه آل البيت (ع) تجدید چاپ شده است.

۷. اثبات الامامة عن طریق اهل السنة و الجماعة.

فطرت بیدار زمان برای شناسایی اندیشه‌ها و جستاری در زندگی پرفراز و نشیب این عالم فرزانه و در قالب یادنامه‌ای وزین فراهم آمده است. پس از مقدمه مؤلف، مقدمه‌ای کوتاه از فرزند آیت‌الله زند در معرفی خانواده و فرزندان آن مرحوم درج شده و آنگاه ویژگی‌های اخلاقی زندگرمانی به قلم فرزند دیگر او آمده است:

«در باب توحید عقلی، به ادله ابن سینا بیش از سایر بزرگان توجه داشتند. همواره از خدا به قوه فوق القوی تعبیر می‌کردند...» (ص ۱۲).

انجمنی به نام انجمن دین و دانش تاسیس کردند و البته نمی‌دانم چه بر سر آن آمد. آنچه محقق است این است که ایشان، تنها راه رستگاری مسلمانان را در جمع دین و دانش می‌دانستند. از ورزش‌ها به اسب‌سواری و پیاده‌روی بسیار علاقه‌مند بودند (ص ۱۳).

ابعاد شخصیتی آیت‌الله زند عنوان مبحث بعدی، و فراهم آمده از مصاحبه شفاهی با دختر آن مرحوم است.

صفحات بعدی کتاب به متن کامل سه شرح حال خودنوشت از وی اختصاص یافته است: نخستین شرح حال به تاریخ ۱۳۴۴/۶/۲۸ ش / ۲۳ جمادی الاول ۱۳۸۵ ق؛ دومین به تاریخ ۱۳ شعبان ۱۳۶۶ ق؛ و سومی بدون تاریخ و نگارش یافته در زمان جنگ جهانی دوم که از شرح حال‌های پیشین مفصل‌تر و شامل داوریه‌های نگارنده درباره مسائل تاریخی و سیاسی کشور از جمله رواج اسکناس، غارت نفت و انحصار

تنباکو است.

جستاری در زندگی زند کرمانی عنوان مبحثی دیگر است که به قلم عباس دهکردی نگارش یافته، و شامل نقل قول‌های زیبایی از آیت‌الله زند می‌شود که هر یک نشان‌دهنده آگاهی و تحلیل‌های سازنده این عالم دینی از زمانه خویش است: «امشب می‌خواهم مصیبت خود شما را برای خودتان بخوانم تا شما به حال خودتان گریه کنید؛ امام حسین نیازی به گریه شما ندارد. آن گاه بسته‌های دارو را به مردم نشان دادند و گفتند: مصیبت شما این است که اگر این دارو از کشورهای بیگانه و استعمارگر که احتمالاً دشمن شما هستند به کشور ما نرسد، روحانی شهر شما خواهد مرد. من مریض هستم و فقط به این داروها می‌توانم زنده بمانم» (ص ۷۶).

سیمای آیت‌الله زند کرمانی عنوان بخش بعدی است که از مصاحبه‌های شفاهی با آشنایان با او بدست آمده و شامل فصل‌های تحصیلات، اقدامات اجتماعی و مبارزات سیاسی، مقابله با تحریفات و خرافات، سیره عملی و عبادی، جذب نیروها و تبلیغ و خصوصیات فردی است: «مرحوم آیت‌الله کرمانی در خانه‌اش میکروسکوپ داشت و آن زمان که وسایل نقلیه به این صورت نبود، این دستگاه را با زحمت زیاد از کرمان به اصفهان آورده بود. وی میکروب را به ما نشان می‌داد که برای ما جالب بود و به تشریح مسائلی از این قبیل می‌پرداخت که نوعاً آن زمان حتی در طبقات اهل علم غیر حوزوی نیز کم‌تر دیده می‌شد» (ص ۹۴). «در منزلشان چند کندوی زنبور عسل درست کرده بودند و از عسل آنها استفاده می‌کردند» (ص ۱۴۶).

پس از آن اجازه‌نامه عربی و مفصل نقل روایت مرحوم زند کرمانی به آیت‌الله سید محمدعلی روضاتی و توصیه‌نامه آن مرحوم به فرزندان خویش، متن نوشته‌ای در تحلیل تاریخ از همو، اهمیت ولایت که متن یکی از منبرهای او است و متن وصیت‌نامه او آمده و کتاب با تصاویری از اسناد، اعلامیه‌ها و تمثال‌های گوناگون به پایان می‌رسد. از آن جا که در یادنامه حاضر متن تاریخ مختصر نفت در دنیا

که به او رسید این بود که این جسم به کلی بی‌فایده است و به کار نمی‌آید، شاید تقریباً از این واقعه چیزی بیش از دویست سال نمی‌گذرد».^۴

«نفت ایران، متفقین را غالب کرد، و قوای آلمان را در هم شکست؛ اما در عین حال انگلیسی‌های بی‌انصاف طمّاع نخواستند به روی خود بیاورند، در حالی که دنیا فهمید که مایهٔ حیات و اسلحه بُرندهٔ بریتانیا نفت ایران است، مع ذلک کوچک‌ترین عاطفه و توجهی به صاحبان اصلی و مالک‌ها و ولی نعمت‌های خود - یعنی ملت ایران - ننموده و همان مقدار جزیی هم که بایستی به حساب خودشان بدهند به انواع حیل‌ها و بهانه‌ها نپرداختند».^۵

«در جنگ عالم گیر دوم... در مقابل همهٔ این زحمات طاقت فرسا، نه تنها به ایران از غنایم جنگ بهره‌ای ندادند...، تمام مصرف نفت قشون بری و بحری و هوایی بریتانیا را مجاناً از نفت ایران داده و به حساب نیاورد».^۶

«باری... عده‌ای از نمایندگان مجلس به نام اقلیت، صنعت نفت را برای بهبودی اوضاع کشور ملی اعلام نمودند. در صورتی که به واسطهٔ تجمّع و تورّم سرمایه‌های بی‌شمار نزد معدودی سرمایه‌دار، خود دولت انگلستان چندین صنعت را در سراسر کشور خود ملی نمود، تا این‌که کاری برای بی‌کارها تهیه شده، و زندگی مردم تامین گردد، و از اضطراب و درماندگی متوسّل به بلشویزم نشوند، عیناً اولیاء مملکت ما همین عمل را به همین منظور انجام داد و حقیقتاً اگر به تامل بنگریم تنها راه حلّ برای حفظ صلح جهان همین است».^۷

پی‌نوشت‌ها:

۱. صاحب کتاب فروغ مزدیسنی.
۲. تاریخ مختصر نفت در دنیا، ص ۸ - ۹.
۳. همان، ص ۱۴.
۴. همان، ص ۲۵.
۵. همان، ص ۴۰ - ۴۱.
۶. همان، ص ۵۹.
۷. همان، ص ۶۰.

اثر جاویدان آیت‌الله کرمانی درج نشده، و از سویی به مطالعه گرفتن این رساله ما را در شناخت اندیشه‌های والای این عالم فرزانه در آن سال‌ها یاری بسیار می‌رساند، پایان بخش این مقال را نقل‌های کوتاهی از آن قرار می‌دهیم، لازم به ذکر است که فصل‌های این رساله در چاپ اصل بدین قرار است: فصل اوّل: جغرافیای طبیعی و سیاسی ایران؛ فصل دوم: نفت در خاور؛ فصل سوم: نفت در باختر؛ فصل چهارم: دورهٔ جدید نفت در دنیا و ایران؛ فصل پنجم: کلمات مطلعین راجع به نفت.

«با احتیاج مبرمی که به آب هست، به واسطهٔ مسامحهٔ اولیاء امور و تعدّی بیگانگان آب رودخانه‌هایی مانند شطّ کارون که از زمان‌های باستانی خطّ خوزستان را مشروب نموده، و آن‌جا را به صورت هند کوچکی در آورده بود، در زمان ما به مصرف راندن سیلاب نفت یا طلای سیاه به طرف خلیج و بحر عمّان و تسهیل کار کشتی‌های کوه پیکر نفت کش رسیده... و ساده‌تر آن‌که این رودخانه معظم، عوض آبیاری باید به بردن نفت از کشور، و سرازیر شدن آن به مغرب کمک مؤثّری بدهد».^۸

«معادن نفت ایران به واسطهٔ زیادی و فراوانی، خود را از اعماق زمین به سطح آن به صورت چشمه‌های آب نفت آلود متعقّنی از دیر زمانی رسانیده، و نیز گاهی گازهای متصاعده خود را به شکل استوانه‌های نور جلوه می‌دهد، و این معنی از کتب مذهبی زرتشتیان هویدا است، و می‌دانیم که پیروان این مذهب و کیش، زمین‌های نفت‌خیز اطراف بادکوبه را از آذربادگان که مغرب آن آذربایجان شده، زمین مقدّس و محلّ بروز آتش مقدّس و فروغ یزدانی می‌دانسته، و آن را اورامزدا آذر می‌خوانده‌اند؛ چون در بعضی نقاط این سرزمین نوری زیبا در روزها با رنگ آبی دل‌ریا، و در شب‌ها با رنگ سرخ مایل به زردی می‌دیده‌اند».^۹

«هنگامی که حاکم روسی بادکوبه و تفلیس اوّلین دفعه به نفت بادکوبه برخورد، مقداری از این مادهٔ سیاه عقن را به دانشگاه سن پترزبورغ آن روز یا لنین‌گراد امروز فرستاد، تا دانشمندان این ماده را تجزیه نموده، و بررسی نمایند، و جوابی